

روشهای امریکا در راهاندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا و پیشنهاد های راهبردی مقابله با آن

محمد حسین روحانی^۱

عبدالله مبینی^۲

حسین باقری^۳

محمد رضا هدایتی^۴

سید علی سادات طوسی^۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۰۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

چکیده:

انقلاب اسلامی و ظهور اسلام سیاسی، زنگ خطری را برای امریکا و نظام سلطه جهانی به صدا در آورد. سقوط حکومت دست نشانده امریکا، شعارهای ضد امپریالیستی حکومت انقلابی ایران و خطر توسعه نفکر انقلاب اسلامی به دیگر کشورهای منطقه غرب آسیا و نضج اسلام خواهی در این منطقه، باعث نگرانی ایالات متحده امریکا شد. این مقاله با هدف اصلی شناخت و تبیین «روشهای امریکا در تشکیل (راهاندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا و راههای مقابله با آن» به رشته تحریر در آمده و پاسخگوی این سؤال اصلی تحقیق است که «امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا چه روشهایی به کار برده است و راههای مقابله با آن کدام است». روش تحقیق آمیخته (کمی و کیفی) / توصیفی - تحلیلی و پیمایشی و جمع آوری دادهها به روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) انجام شده نتایج حاکی است که امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا در جهت تحقق اهداف خود به دنبال ایران هراسی، اسلام هراسی (شیعه هراسی)، درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با تشدید اختلافات قومی مذهبی است.

کلید واژه‌ها

تروریسم، غرب آسیا، امریکا، انقلاب اسلامی، گروه‌های تکفیری.

۱ - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته مطالعات بین‌الملل. گرایش مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین(ع)
hosein.rohani34@yahoo.com

۲ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۳ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۴ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۵ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در منطقه غرب آسیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) و خروج جمهوری اسلامی ایران از مجموعه ائتلافی آمریکا تا عصر حاضر، زمینه شناخت و تبیین روشهای آمریکا در تشکیل (راه اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا را فراهم می‌آورد؛ چرا که انقلاب اسلامی و ظهور اسلام سیاسی، زنگ خطری را برای آمریکا و نظام سلطه جهانی به صدا در آورد. سقوط حکومت دست‌نشانده آمریکا، شعارهای ضد امپریالیستی حکومت انقلابی ایران و خطر توسعه انقلاب به دیگر کشورهای منطقه غرب آسیا و نضج اسلام‌خواهی در این منطقه، باعث نگرانی ایالات متحده آمریکا شد. از سویی در همین وضعیت، اتحاد شوروی به افغانستان حمله کرد و این کشور را به اشغال خود در آورد. آمریکا در واکنش به تحولات منطقه‌ای به هر شکل ممکن باید از قدرتمند شدن بیش از اندازه یکی از بازیگران منطقه‌ای جلوگیری کند. از این رو دولت آمریکا تمام تلاش خود را در جلوگیری از خطر گسترش اندیشه‌ها و صدور آرمانهای انقلابی و خنثی‌سازی فعالیتهای جمهوری اسلامی به‌کار گرفت. همزمان، پاکستان به‌عنوان ستون نظامی جدید در منطقه در نظر گرفته، و عربستان (ستون اقتصادی) به برقراری روابط صمیمانه‌تر با پاکستان تشویق شد. آل سعود با اعطای وامهای گزاف به پاکستان برای خرید اسلحه از موقعیت پیش آمده برای ترویج وهابیت در این کشور استفاده کرد و گروه تروریستی تندروی «سپاه صحابه» در پاکستان شکل گرفت که این تلاش‌ها اساس شکل‌گیری برخی گروه‌های تروریستی و افراط‌گرای به‌اصطلاح جهادی در منطقه غرب آسیا شد. امروز فعالیتهای تروریستی و درگیریهای مسلحانه در منطقه غرب آسیا با شدت بیشتری رواج دارد و این پدیده به‌گونه‌ای نمود یافته است که هر فرد و یا هر حکومتی از دید خاص خود به آن می‌نگرد.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (بوش پسر) با تقسیم‌بندی جهان به دو بخش، حامی تروریسم و طرفدار آمریکا، تروریسم را با منطقه غرب آسیا مرتبط دانست و بر آغاز جنگ صلیبی تأکید، و به شکلی وانمود کرد که جهان اسلام در قالب تروریسم به جنگ با آمریکا آمده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۷/۴).

برخوردهای دوگانه آمریکا با "تروریسم" و استفاده مکرر از این واژه در اخبار و گزارشها و ارائه برنامه‌های مرتبط با جمهوری اسلامی ایران و منطقه غرب آسیا، انتخاب واژه و مترادف گرفتن اسلام با مقوله "تروریسم" و نسبت دادن فعالیت‌های تروریستی به گروه‌های اسلامگرا و بنیادگرایی اسلامی (شیر غلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۶)، این ظن را تقویت می‌کند که ممکن است آمریکا برای تأمین منافع خود (آشکار و پنهان)، روشهایی را مبتنی بر دستاوردهای ناشی از فعالیت‌های "تروریسم" در کشورهای هدف در نظر گرفته باشد. مصداق‌های تلاش‌های آمریکا در منطقه که شائبه همسویی آمریکا با تروریسم غرب آسیا را در ذهن انسان متبادر می‌کند به این شرح است:

- تعاملات دو یا چندجانبه و گسترده آمریکا با کشورهایی در منطقه غرب آسیا، که حامی اصلی تروریسم در منطقه هستند و با حمایت‌های مالی و پشتیبانی‌های لجستیکی و تسلیحاتی از تروریسم سازمان یافته در منطقه، آنان را به تسلیحات پیشرفته مجهز می‌کنند.

- پیامد مصیبت بار ناشی از اقدامات تروریسم در افغانستان، عراق و سوریه باعث شده است تا امنیت کشورهای متحد آمریکا و حامی تروریسم از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی حفظ شود که در جهت منافع غرب تلاش می‌کنند و تروریست‌ها با چهره و ظاهری جدید و مجهز به سلاح‌های پیشرفته نمایان شوند و ترور و ناامنی به پدیده مسلط در غرب آسیا تبدیل شود.

- شکل‌گیری گروه‌های تروریستی القاعده، طالبان، داعش، النصره و... در غرب آسیا و حمایت‌های آمریکا از گروه‌های مسلح القاعده و شبه نظامیان تروریست در کشورهای مختلف اسلامی و بازگذاشتن دست آنها در مناطقی مانند سوریه، عراق و... (کاظمی قمی، ۱۳۹۶).

به طور کلی، آمریکا برای حفظ مرکزیت و تداوم حضور دائمی خود در منطقه غرب آسیا و دیگر کشورهای جهان در صدد برآمد با قلمداد کردن اسلام به عنوان اصلی‌ترین چالش و مهمترین مانع بر سر راه به افکار عمومی جهان بقبولاند که «انقلاب اسلامی» تهدیدی برای آمریکا و کل جهان است و دلیل این نگرانی به این موضوع مربوط می‌شود که جمهوری اسلامی ایران در کانون انقلاب اسلامی است و هرگز طبق قواعد دیکته شده غرب حرکت نمی‌کند؛ چرا که باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی، همواره در جهتگیریها و تشویق در استمرار

یا توقف سیاستهای جمهوری اسلامی، تأثیری انکار نشدنی دارند و می‌تواند وضعیت کشورهای غرب آسیا را بر ضد اهداف امپریالیستی غرب تغییر دهد و هم‌چنین ممکن است، گسترش موج گرایش به اسلام در این منطقه به حدی نیرومند و نافذ باشد که اوضاع از کنترل آنان خارج شود و نظام فکری، اقتصادی و حتی امنیتی و سیاسی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. برابر این توضیحات می‌توان چنین نتیجه گرفت که امریکا از مقوله "تروریسم" برای تأمین منافع ملی خود از یک سو و مهار انقلاب اسلامی از سوی دیگر، بهره‌برداری‌های لازم را به عمل می‌آورد. شناخت این پیچیدگیها، برخوردهای چندگانه و تغییر ارزشهای بین‌المللی به نفع نظام سلطه و ارائه راه‌های مقابله و برونرفت از این سیاستها، مسئله اصلی این تحقیق است.

پیشینه تحقیق

رساله دکتری با عنوان «جهانی شدن تروریسم و علل همکاری کشورهای جهان علیه آن» با موضوع وضعیت تروریسم در عصر جهانی شدن و چرایی همکاری کشورها علیه آن، توسط محمدعلی ناجی‌زاد (۱۳۸۵)، استاد راهنما؛ حمید احمدی، استادان مشاور؛ ابراهیم متقی و داوود فیرحی، دکترای تخصصی، تهران: دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی بررسی شده و به رشته تحریر در آمده است. نتایج این رساله بیانگر این است که اگر قدرت به صورت ناعادلانه توزیع شده و یک طرف از قدرت سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی بیشتری برخوردار باشد، طرف دیگر برای جبران ضعف خود به تروریسم متوسل می‌شود. روش تروریسم بر اظهار وجود و نپذیرفتن قواعد بازی متعارف گفتمان مسلط زورمدار و یا گفتمان قدرت مبتنی است؛ قواعدی که توسط صاحبان زور به‌عنوان نوعی ابزار بازدارندگی تولید و باز تولید می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

در رساله دکتری تخصصی با عنوان «سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه و تغییر راهبرد القاعده» آقای مهدی عباس زاده فتح‌آبادی (۱۳۸۶)، استاد راهنما؛ فرهاد عطائی، استادان مشاور؛ محمدرضا تخشید و رضا رئیسی طوسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به موضوع بررسی چگونگی تأثیرگذاری سیاست خارجی امریکا در غرب آسیا پس از جنگ خلیج فارس بر تغییر راهبرد القاعده و بررسی بنیادهای فکری القاعده پرداخته است. حاصل

این رساله بیانگر این است که سیاست خارجی آمریکا در [غرب آسیا] پس از جنگ خلیج فارس موجب تغییر راهبرد القاعده به سمت مبارزه تروریستی علیه ایالات متحده آمریکا (دشمن دور) شده است.

«تحلیل ساختارهای ژئوپولیتیکی تروریسم در دهه اول هزاره سوم میلادی» عنوان یک طرح تحقیقاتی دیگری است که به موضوع بررسی تأثیر کارکرد تروریسم بر تحولات ژئوپولیتیکی مناطق جهان، توسط آقایان سجاد کریمی پاشاکی، روح‌اله منعم و محمدصادق یحیی‌پور، (۱۳۹۳)، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، س چهارم، ش ۱۱، پرداخته‌اند. به دلیل اینکه دولتها و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی در تعریف تروریسم وحدت ندارند، گروه‌های تروریستی نیز می‌توانند دامنه‌ای از مدافعان مشروع سرزمین و رزمندگان راه آزادی تا گروه‌های تروریستی بین‌الملل نام گیرند؛ از این رو، تأکید بر آمار و ارقام حملات تروریستی متغیر است. "رویکردی انتقادی به پدیده تروریسم؛ نظریه سنتی و انتقادی"، عنوان مقاله‌ای علمی است که با اتخاذ رویکرد انتقادی به پدیده تروریسم در دو مرحله تعمیق بخشیدن و گسترش دامنه مطالعات تروریسم نشان می‌دهد که چنین رویکرد انتقادی نه تنها رویکرد سنتی حاکم بر مطالعات تروریسم را نقد می‌کند بلکه کمبودهای داخل رویکرد سنتی از جمله عدم خود انعکاسی، عدم بافت‌نگری، غیر تاریخی بودن، تعصب دولت - محور، سانسور رسانه‌ای، انجام نگرفتن کارهای میدانی و غیره را بیان، و چارچوب جامع‌تری برای مطالعه تروریسم فراهم می‌کند (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۲۴ - ۱۱۳).

سؤال تحقیق

روشهای آمریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا کدام است؟

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای، و بر اساس ماهیت، توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق ابتدا برای به دست آوردن ابعاد مسئله و تعیین مسیر تحقیق با ۱۵ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مرتبط با تحقیق، مصاحبه شد و با سه

نفر مصاحبه عمیق انجام گرفت و با استفاده از اطلاعات آنان و همچنین تجربیات، اطلاعات و مشاهدات میدانی محقق در قالب پژوهش ترکیبی، درباره موضوع تحقیق، پرسشنامه تنظیم شد و سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت با استفاده از همه داده‌های تحقیق اعم از مبانی نظری، ادبیات تحقیق، محیط‌شناسی و مصاحبه‌ها، روشهای امریکا در راه اندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا تعیین، و پیشنهادهای راهبردی مقابله با آن ارائه می‌شود.

مفاهیم و مبانی نظری

۱- مفاهیم نظری

۱-۱- ترور و تروریسم: ترور و تروریسم براساس اینکه با ماهیت چه موضوعی به کار گرفته می‌شود، معنایی متفاوت دارد. یک شخص از دیدگاه عده‌ای تروریست و از دیدگاه جماعتی دیگر، آزاده و جنگجویی شایان ستایش همراه با بار ارزشی مثبت معرفی می‌شود. برخی این اقدام را فعالیتی سازمان‌یافته به منظور استقرار ارزشهایشان می‌دانند و برخی فعالیتی مذبحانه برای دستیابی به مقاصد شوم تعبیر می‌کنند.

واژه تروریسم در فرهنگ سیاسی، مترادف ستیزه‌جو و از جمله نابسامانیهای سیاسی به شمار می‌رود و با مفاهیمی همانند خشونت، مانند کودتا و مبارزه مسلحانه همراه است. این واژه در مطالعات مربوط به مفهوم تروریسم، همواره با نوعی مسئله یا مشکل همراه است. جفری سیمون، پس از جمع‌آوری منابع مختلف، اعلام کرد حداقل ۲۱۲ تعریف متفاوت از تروریسم وجود دارد که در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این تعداد، ۹۰ مورد آن از سوی حکومتها و دیگر نهادها به کار گرفته می‌شود. تروریسم را به هرگونه که خوب معنا کنیم با فرهنگ سیاسی مسالمت‌آمیز انطباق ندارد (Simon, 1994: 29). تروریسم دارای بار معنایی و مفهومی منفی است و باید آن را یکی از واژه‌های دارای ابهام در عرصه بین‌المللی دانست که به علت پیچیدگی مفهوم و مصداق با نوعی «بحران معنا» در تعریف و تحدید روبه‌رو است. از میان انواع مختلف تروریسم به مقتضای موضوع و به فراخور کاربرد مصداقهای آن، تعاریفی ارائه می‌شود.

بر اساس «مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا» تعریف عملیاتی ارتش ایالات متحده از تروریسم به این شکل خلاصه می‌شود:

«استفاده برنامه‌ریزی شده از خشونت یا تهدید به خشونت برای رسیدن به اهدافی که ذاتاً سیاسی، دینی یا ایدئولوژیک است که از طریق تهدید، اعمال زور یا ایجاد ترس انجام می‌شود». بازنمایی معنادار تروریسم در رسانه‌های امریکایی و نوع رویارویی امریکایی‌ها با تروریسم در سه سطح قابل تحلیل است:

سطح اول استفاده از واژه تروریست برای گروه‌هایی است که خلاف منافع امریکا در منطقه و جهان اقدام می‌کنند. در این رویکرد، رسانه‌ها و مقامات امریکایی، عملیات تروریستی القاعده را در دو کشور مختلف با دو نگاه متفاوت تفسیر و تشریح می‌کنند. استفاده از عنوان مبارز، پیکارجو و معترض به جای تروریست، مورد استفاده این رسانه‌ها قرار می‌گیرد و براساس منافع و سیاستهای امریکا این تعبیرها به کار گرفته می‌شود.

سطح دوم بر برجسته‌سازی آن دسته از اقداماتی قرار دارد که در نقشه سیاستهای ایالات متحده جای می‌گیرد؛ به تعبیردیگر رسانه‌ها و مقامات امریکایی تنها آن دسته از جنایات انسانی و تروریستی را می‌بینند و برجسته‌سازی می‌کنند که بتوانند پس از طرح آن، گامی به سوی تأمین اهداف خود بردارند؛ از جمله بزرگنمایی کشتار مردم توسط طالبان در افغانستان برای حفظ حضور نیروهای خود در این کشور در این چارچوب تحلیل می‌شود.

سطح سوم معادل سازهایی است که از سوی رسانه‌ها و مقامات امریکایی برای تروریسم می‌شود. آنها با استفاده مکرر و هوشمندانه از این واژه در کنار کلماتی همچون مسلمانان تندرو، اسلامگرایان افراطی و واژه‌هایی از این نوع، کاری می‌کنند که مخاطبان تلقی جهنداری از تروریسم داشته باشند (لندمن، ۱۳۹۰: ۶۹).

۲-۱ - مفهوم تروریسم غرب آسیا: واقعیت‌های اجتماعی در خلأ شکل نمی‌گیرد و همواره زمینه یا زمینه‌هایی به تنهایی یا در فرایندی از ترکیب با یکدیگر، باعث حاکم شدن وضعیت‌های خاص بر جوامع می‌شود. ظهور و گسترش انواع گروه‌های افراطی تحت عنوان اسلامگرایی رادیکال و رونق یافتن ورود و خروج تروریسم از منطقه غرب آسیا، نشان‌دهنده وجود زمینه‌های عمیق برای رشد افراطگرایی در این منطقه است. ظهور اسلامگرایی رادیکال و پدیده غریب و

دهشتناکی مانند گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آسیا و بروز آن در چهره تروریسم جهادی موسوم به تروریسم غرب آسیا، مشکلی جهانی در منطقه غرب آسیا ایجاد کرده است. این وضعیت بشدت امکانات توسعه و همگرایی را در منطقه تحت تأثیر منفی خود قرار داده و نگاه جهانی به دولتها و ملتهای این منطقه را بشدت منفی کرده است. در واقع تناقضهای حیات اجتماعی در این جوامع حفره‌هایی را شکل داده که برداشتهای خاص دینی (در نظام معنایی مدرن) قالب بنیادگرایی به خود گرفته است؛ لذا ترکیب دو گسل بنیادگرایی و گسل هستی‌شناسی پایان تاریخ، لشکری از انسانهای افراط‌گرا را به وجود آورده است که خیلی زود جمع خود را در هیبت گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی یافتند. بازتاب برداشتهای متعصبانه و رادیکال از سلفی‌گرایی اسلامی در نمایش بنیادگرایی مدرن به گونه‌ای عجیب، مولد خشونت و افراط‌گرایی شده و به شکلی نوستالژیک خود را در تروریسم جهادی و خلافت فرا زمانی و فرا مکانی بروز داده است (فولادی، ۱۳۹۶).

از دید این تحقیق، تروریسم غرب آسیا تروریسمی است که با چهره و ظاهری جدید و مجهز به سلاحهای پیشرفته، همسو با منافع امریکا، حاشیه امنی را برای رژیم غاصب صهیونیستی فراهم کرده و حافظ امنیت کشورهای در منطقه غرب آسیا شده است که از تروریسم حمایت می‌کنند. بازیگران در این نوع تروریسم، انگیزه، هدف و شیوه‌های تروریستی متفاوت با عملیاتهای تروریستی گذشته (اواسط قرن بیستم) دارند و فعالیتهایی از قبیل اختلاف‌افکنی بین کشورهای اسلامی، تفرقه میان مسلمانان و مذاهب مختلف، جدایی و ستیز میان اقوام مختلف، سوء استفاده از اختلافات فکری و اعتقادی مذاهب گوناگون اسلامی را در سرلوحه اهداف تروریستی خود قرار داده‌اند. ایجاد تفرقه در کشورهای اسلامی و منطقه غرب آسیا، مقابله با انقلاب اسلامی، مقابله با کشورهای محور مقاومت اسلامی، ایجاد انحراف در بیداری اسلامی و سرانجام تهدید علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از نفوذ ایران در کشورهای متحد با آن در منطقه از اهداف تروریسم غرب آسیا به شمار می‌رود.

۳-۱- تروریسم تکفیری: مفهوم تکفیری یعنی کسی که به شخص یا اشخاصی نسبت کفر و بی‌دینی می‌دهد و چون وهابیت به شیعیان نسبت کفر می‌دهند به آنان تکفیری گفته می‌شود

(شوشتری، ۱۳۷۶). در باره تکفیری‌ها باید گفت طرز فکر و عمل پاره‌ای از صحابه، تابعان و تابعان آنها را مکتبی که معروف به سلفیت است، حجتی شرعی برای زندگی در عصر حاضر قلمداد می‌کند. پیروان این عقیده از یک‌سو از موازین فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت خارج شده‌اند و از سوی دیگر با باز کردن راه اجتهاد بر اساس فهم صحابه، باب پیدایش برخی فتاوی افراطی نادرست و سلیقه‌ای را گشوده‌اند. سلفی‌ها فقط قرآن و سنت را منابع احکام و تصمیمات خود می‌دانند. سلفی‌گری دو رکن اساسی دارد: یکی بازگشت به شیوه زندگی و مرام سلف صالح و در نهایت سنت حجاز و بویژه سنت اهل مدینه در ۱۴۰۰ سال پیش و دوم مبارزه با بدعت؛ یعنی هر چیزی که سلفی‌های جدید خلاف سنت می‌دانند. از حدود نیم‌قرن گذشته، بزرگترین جابه‌جایی جمعیتی استاد و دانشجو در جهان اسلام برای تعلیم و تربیت در عربستان سعودی بوده است. این جابه‌جایی، کوششی هدفمند برای تغییر عقاید اسلامی در سطح جهان اسلام است، و در واقع موضوع تکفیری‌ها بسیار وسیعتر از مخالفت سلفی‌های وهابی با شیعه است و مشکل را نباید صرفاً مشکل شیعه پنداشت. عموم علمای اهل سنت، پیرو سلفیه وهابی نیستند و حتی بسیاری از آنان، خود مورد حمله و طعنه وهابیان هستند و آنان که به ادبیات سلفیه آشنایند، سنت ردیه‌نویسی سلفی‌ها را بر عقاید دیگران بخوبی می‌شناسند (پور امینی، ۱۳۹۲: ۴۲).

مقام معظم رهبری در دیدار با دست‌اندرکاران حج در تاریخ ۹۳/۶/۱۶ فرمودند: «... امروز شما می‌بینید تکفیر یک عاملی برای دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی است؛ نه فقط شیعه، [بلکه] اهل سنت را هم تکفیر می‌کنند؛ اهل سنت را هم، مسجدشان را، نمازشان را منفجر می‌کنند به نفع رژیم صهیونیستی، برای اینکه مردم را و مسلمانها را به هم مشغول کنند تا غافل بشوند از مسئله مهم فلسطین و از حضور دشمن در دل دنیای اسلام غفلت کنند؛ هدف، اینها است. یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی، بعضی هم البته از روی غرض با آنها همراهی می‌کنند؛ این را باید متوجه بود...». تازه‌ترین تحولات گروه‌های تکفیری - تروریستی به رویدادهای موسوم به «خیزش عربی» باز می‌گردد که نمونه‌های بارز آن در قالب «دولت اسلامی عراق» یا «دولت خلافت اسلامی» معروف به «داعش» در عراق و «جبهه النصره» در سوریه نمود یافته است. جهادگران سلفی (سلفی‌های جدید) دیدگاه‌های سلفی‌گری علمی

(سلفی‌گری سنتی) را رد می‌کنند و خشونت را روشی مناسب و ضروری برای مقابله حملات غرب علیه اسلام می‌دانند. بر این اساس، گروه‌های تکفیری - تروریستی نظیر القاعده، داعش و جبهه النصره تنها یکی از گروه‌های مدعی سلفیت جهادی هستند.

۲- دیدگاه‌های نظری پژوهش

هیچ یک از نظریه‌ها نمی‌تواند تمام پدیده‌های تروریستی را تبیین کند و هنوز نظریه‌ای فراگیر تولید نشده است که بتواند تمام انواع تروریسم را یکجا تحلیل و تبیین کند. نظریه‌های روابط بین‌الملل به دلیل ضعف‌های ذاتی و ساختاری توان تبیین جامع پدیده‌ها را ندارد و پدیده‌هایی که خارج از مفروضات نظریه‌های روابط بین‌الملل وارد صحنه روابط بین‌الملل می‌شود، نا بسندگی آنها را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد. یک نمونه اخیر از این پدیده‌های نوظهور، داعش است. این پدیده به‌عنوان نمایشی نو از بنیادگرایی افراطی است که با وجود نقش روزافزون در معادلات بین‌المللی در قالب بسیاری از چارچوب‌های تعیین شده نظریات روابط بین‌الملل قرار نمی‌گیرد (امینیان، ۱۳۹۵: ۲۶).

نظریه‌های همسو با نقش و اهداف امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا به این شرح است:

۱-۲- نظریه سد نفوذ (جورج کنان): وقایع عینی جهان پس از جنگ جهانی دوم وضعیتی را رقم زد که موجبات شکل‌گیری دکترین مشهور ترومن به نام «سد نفوذ» فراهم شد. دکترینی بر اساس نظریات «جورج کنان» تدوین گردید و نزدیک به نیم قرن، ویژگی اصلی سیاست خارجی امریکا به‌شمار می‌آمد. این نظریه تأکید می‌کند در حالتی که نمی‌توان دشمن و رقیب را از بین برد و در عین حال، نمی‌توان در برابر گسترش‌طلبی و نفوذ ایدئولوژی آن ساکت بود، باید سیاست سازش، تحمل و محصورکردن دشمن را در مرزهای مشخص در پیش گرفت. بر این اساس، روش چنین سیاستی در سدبندی بین جنگ و تنش‌زدایی و همزیستی قرار دارد. آنچه در این چارچوب دنبال می‌شود، انزوای دشمن و کاهش توان و مقاومت و در صورت امکان فروپاشی آن است. نظریه «سد نفوذ کمونیسم» بخش قابل توجهی از راهبرد امنیتی امریکا برای کنترل و تسلط این کشور بر مناطق گوناگون جهان از جمله منطقه غرب آسیا و خلیج فارس را

تشکیل داده است. سیاست سد نفوذ بسیار بغرنج، طولانی‌مدت و شناور است و مدام بین پذیرش مرزهای نفوذ رقیب یا دشمن، ابزارهای سیاسی و نظامی یا اقتصادی و نرم و منطقه مورد نظر در نوسان است (غرایاق زندی، ۱۳۸۷: ۸۶ - ۸۴).

۲-۲- نظریه برخورد تمدنها (ساموئل هانتینگتون): هانتینگتون در تولید تنشهای تمدنی میان اسلام و غرب بر طرح مدرنیزاسیون غربی و ایجاد وضعیت خود - دیگری تأکید می‌کند. او تلاش می‌کند که اتفاقات خونین تروریستی را در روابط بین‌الملل در حوزه تمدنی بررسی، و مقاومت‌های تمدنی را در مقابل تمدن مدرن غرب عامل ایجاد تروریسم بین‌الملل معرفی کند.

هانتینگتون معتقد است منافع غرب در منطقه غرب آسیا به اندازه‌ای گسترده و راهبردی است که تصور نمی‌شود بدون سلطه کامل بر جهان اسلام و متوقف کردن روند بیداری اسلامی بتواند به حیات سیاسی و اقتصادی خود ادامه دهد. او اعتقاد دارد تأکید اسلامگرایان بر حفظ هویت تمدنی خود در مقابل تغییرات دلبخواهانه تمدن غربی بر چهره جهان معاصر و هویت‌های غیر و رویارویی با تمدن‌های دیگر، تنشهای تمدنی میان اسلام و غرب را ایجاد می‌کند؛ بدین گونه طرح مدرنیزاسیون غربی در جهت دگرگونی جهان و خواست قدرت نهفته در آن برای تغییر شکل تمدنی دیگر و مقاومت تمدن‌های دیگر و هویت‌های غیر در مقابل با این طرح به نوعی درگیری تمدنی و در شکلهای کوچکتر به تروریسم خواهد انجامید. هانتینگتون کلی‌گویی و فراخ‌انگاری و بازه فهم موضوع را در مورد تنشها و فروکاستن آن به مفهوم شناختی تمدنی - فرهنگی، بسیار گسترده تصور کرده، و حاوی این مفهوم است که تمدن غربی آگاهانه همانند ساختار زنده تلاش می‌کند تا با دستاوردهای فناورانه و معرفتی خود، غیریتها و تمدن‌های دیگر را متحول سازد که پیامدهای آن تضادهای تمدنی بین غرب و اسلام و در نهایت بروز رفتارهای تروریستی است (Huntington, 2003: 251-259).

۲-۳- نظریه ادوارد نورتون لورنز (آشوب سازنده): این نظریه اساساً یک دکترین نظامی ریاضی پایه در وزارت دفاع آمریکا به شمار می‌رود که با سامانه هرج و مرج فیزیکی روبه‌روست و آن ایجاد بی‌نظمی به دلیل عوامل غیر تصادفی در قالب نوسانات غیر قابل کنترل و در حال صعود است که سرانجام به سردرگمی شدید بومی - اجتماعی می‌انجامد. عملیاتی شدن این نظریه به طور مستقیم دارای ظاهرسازی نظامی و سخت‌افزاری ناشی از رفتارهای کاملاً حساب شده و

ساختارمند است و به‌رغم ایجاد آشوب، بی‌نظمی ایجاد شده را قابل پیش‌بینی، کنترل، و هدایت می‌کند. آنچه ایالات متحده را به کارزار علیه داعش وارد کرد، حفره در سامانه «هرج و مرج خلاق» بود که تا پیش از آن در حال تأمین منافع امریکا و رژیم صهیونیستی بود. نظریه «هرج و مرج سازنده» در عمل، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی را در بر می‌گیرد که احتمال نفوذ به آن را و خارج ساختن سازمان نظم آن را از مدار به میزان زیادی امکانپذیر می‌سازد.

«آشوب سازنده» یا «هرج و مرج خلاق» راهبردی است که طی آن، امریکا در کشورهایی که کارکردهای متضاد با اهداف و منافع آن دارند، ورود پیدا می‌کند و از طریق خلق آشوب سازنده، که با ابزارهای گوناگون رسانه‌ای و به‌کارگیری بازیگران مختلف داخلی و خارجی همراه است، منافع و اهداف خود را به‌دست می‌آورد (Gleick, 2011).

راهبرد ایالات متحده امریکا در برابر گروه‌های تروریستی منطقه غرب آسیا بر اساس چهارچوب نظری آشوب سازنده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این راهبرد از دوره بوش (پسر) و از سوی کاندولیزا رایس، وزیر خارجه سابق امریکا به منظور اجرای طرح «خاورمیانه بزرگ» مطرح شد. در واقع نظریه «آشوب سازنده»، رهنامه اهداف، سیاستها و راهبردهای امریکا در منطقه غرب آسیاست. در واقع، این نظریه تأییدی بر وجود رهنامه نظامی برای منطقه غرب آسیا به ابتکار انگلیس، امریکا و رژیم صهیونیستی بود. این طرح، که سالها در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی قرار داشت، عبارت است از: ایجاد هلالی از بی‌ثباتی، هرج و مرج و ناآرامی که از لبنان، فلسطین و سوریه آغاز می‌شود و تا عراق، ایران و مرزهای افغانستان ادامه خواهد داشت؛ منطقه‌ای که «هلال شیعی» یا «محور مقاومت» نامگذاری شده است.

نظریه «آشوب سازنده» همچنان از عمق سیاستها و روشهای امریکا در ایجاد هرج و مرج و آشوب در منطقه غرب آسیا پرده‌برداری می‌کند. مقامات کاخ سفید به دنبال سیاست ایجاد توازن میان جریانات ناهمگون عراقی بودند. ایجاد توازن در بُعد سیاسی به برپایی دموکراسی توافقی با حضور همه طوائف و قومیت‌های عراقی ناظر بود که ظاهری قابل قبول داشت؛ اما در بُعد امنیتی، نظریه آشوب سازنده، مفهوم خطرناکی داشت؛ به عبارتی این نظریه قائل به درگیر کردن نیروهای متضاد داخلی با دخالت نیروهای خارجی (همچون القاعده) بود. ایجاد آشوب

از طریق حمایت پنهانی از نیروهای مختلف و در عین حال کنترل این آشوب (سازنده بودن آن)، منافع آمریکا را نه تنها در عراق بلکه در منطقه تأمین می‌کرد. به طور طبیعی گروه‌های وابسته به القاعده و نیز بعثی‌های رژیم گذشته، بهترین گزینه اجرای این نظریه بودند؛ زیرا انگیزه کافی برای مقابله با نظم نوین عراق را داشتند و بویژه شیعیان را دشمن اصلی و دیرین خود می‌شمردند. این نظریه، حتی پس از خروج امریکایی‌ها از عراق ادامه یافت و برخی کشورهای منطقه بویژه عربستان سعودی در اجرای این طرح نقش نیابتی یافتند. طولی نکشید که این سیاست خطرناک، دامن سوریه را نیز فرا گرفت و به همین دلیل خیلی زود پای گروه‌های اسلام‌گرای افراطی نظیر داعش، جبهه النصره، احرار الشام، جیش الاسلام و... به این کشور گشوده شد و بحران سوریه را پیچیده‌تر ساخت. بدون تردید، حمایت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن باعث شده است تا گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال، ابعاد سیاسی - امنیتی به خود بگیرند و نقش خود را در چرخه بحران ایفا کنند؛ این در حالی است که اگر منافع آمریکا به خطر بیفتد به مقابله با القاعده بر می‌خیزد؛ نمونه‌ای که در کشورهایی چون یمن و پاکستان به چشم می‌خورد. این در حالی است که آشوب سازنده از حالت سازنده بودن خارج شود و منافع آمریکا را تخریب کند! (نجات، ۱۳۹۵: ۵ - ۱). با توجه به این مطالب می‌توان گفت:

رویارویی آمریکا با گروه‌های تروریستی منطقه غرب آسیا در چهارچوب نظریه «آشوب سازنده» قرار دارد و در صورتی که آشوب سازنده از حالت سازنده بودن خارج، و به تخریب منافع آمریکا منجر شود، امریکایی‌ها با عوامل آن برخورد می‌کنند. همان‌گونه که سازمان القاعده تا زمانی که در قالب مجاهدین علیه ارتش سرخ شوروی در افغانستان می‌جنگیدند، مورد حمایت غرب بودند؛ اما زمانی که شمشیر به روی غرب کشیدند به نماد تروریسم جهانی تبدیل شدند. تروریسم در منطقه غرب آسیا در دیدگاه آمریکا به دو بخش خوب و بد تقسیم شده است: در سوریه مفید و در عراق غیر مفید است؛ به تعبیر دیگر، اگر این گروه‌ها تهدیدی علیه نفوذ جمهوری اسلامی ایران و تهدیدی برای امنیت ایران و کشورهای متحد آن در منطقه باشند، وجود آن لازم و ضروری تلقی می‌شود؛ اما تا زمانی که پیشروی و زیاده‌خواهی این

گروه، دامن امریکا و متحدان غربی و عربی را در منطقه بگیرد، باید برای مهار آن چاره‌اندیشی کرد. اوجگیری منازعات منطقه‌ای، راه به جایی نخواهد برد.

۱- جامعه آماری و جمعیت نمونه

۷۰ نفر از استادان دانشگاه‌های مختلف کشور و نخبگان علمی و برخی از سفیران جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف جهان از جمله در منطقه غرب آسیا و برخی از افراد با تجربه و صاحب‌نظر در مطالعات منطقه‌ای که سالیان متمادی در خارج از کشور و منطقه غرب آسیا مأموریت داشته‌اند، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند که با تکمیل پرسشنامه یا مصاحبه، اطلاعات آنها گرفته شد و این اعضای جامعه آماری به شکل تمام شمار، آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۲- ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها

با توجه به نوع و روش تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، ابزارهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. در این تحقیق، که روشی آمیخته یا ترکیبی است برای گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از ابزار ذیل بهره گرفته شده است:

۱- ۲- منابع کتابخانه‌ای: ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق منابع کتابخانه‌ای شامل، کتابها، اسناد و مدارک مستند، متون معتبر تاریخی و علمی، رساله‌های دکتری، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، مقالات، طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی بود که در این مرحله، ابتدا طرح مطالعاتی تهیه باشد و با مراجعه به مراکز کتابخانه‌ای، اطلاع‌رسانی، سایتهای معتبر اینترنتی، محتوای منابع و متون در کتابها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارشها، مقالات و طرحهای پژوهشی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت و مطالب مورد نیاز و اطلاعات ضروری استخراج و یادداشت برداری شد و پس از دسته‌بندی و بررسی، مورد بهره برداری قرار گرفت.

۲- ۲- منابع میدانی (پرسشنامه و مصاحبه): به استناد مبانی نظری و الگوها و با استفاده از الگوی مفهومی تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته به صورت پیمایشی در جامعه هدف (نخبگان دانشگاهی، نظامی، امنیتی، صاحب‌نظران علوم سیاسی و مطالعات بین‌الملل) به منظور ممیزی الگو، به اجرا گذاشته شد. ابتدا با ۱۵ نفر از خبرگان، که با سه حوزه علمی، تجربی و راهبردی

آشنایی داشتند به منظور شناخت اولیه عوامل تأثیرگذار بر مسائل مهم در حوزه تحقیق و هم‌چنین شناسایی نخبگان حوزه، مصاحبه عمیق انجام گرفت و بر مبنای این مصاحبه، طراحی لازم برای اقدامات بعدی صورت پذیرفت. سپس با استفاده از نتایج مصاحبه‌های عمیق، پرسشنامه تهیه و تکمیل شد.

پس از استخراج نمودارهای چارچوب نظری، الگوی مفهومی «روشهای امریکا برای تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا و راه‌های مقابله با آن» به استناد مباحث نظری و اصلاح و تأیید آنها از طریق نخبگان جامعه آماری، سؤالات پرسشنامه به این شکل طراحی شد:

الف) بخش اول سؤالات مصاحبه نیمه ساختار یافته به صورت دو گزینه‌ای (بلی، خیر) برای تأیید هر یک از سؤالات مطرح شد.

ب) بخش دوم سؤالات مصاحبه نیمه ساختار یافته که از طیف لیکرت برای سنجش آن استفاده شد، دارای گزینه‌های پنجگانه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) است که به ترتیب اندازه‌های عددی یک، سه، پنج، هفت و نه در نظر گرفته شد.

ج) پیشنهادهای راهبردی به صورت مصاحبه آزاد انجام شد.

۳- روایی (اعتبار)

در این تحقیق با استفاده از روش روایی‌سازی صوری، پرسشنامه محقق ساخته بر اساس ادبیات و الگوی مفهومی تحقیق، تهیه شد. پرسشنامه پس از طراحی و تنظیم اولیه به تعدادی از صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای برای بررسی و اصلاحات لازم، تحویل داده شد. با اعلام نظر صاحب‌نظران، اصلاحاتی در سؤالات و سازماندهی آنها انجام، و به این ترتیب پرسشنامه از روایی صوری بر خوردار شد. پرسشنامه‌ها در اختیار ۳۰ نفر از نمونه آماری قرار گرفت و اعتبار آن با آلفای کرونباخ ۰.۹۵٪ به دست آمد و به ۷۰ نفر از نخبگان تحویل داده شد که پس از گرفتن نظر تکمیلی برای روایی‌سنجی و اعتبار ابزار تحقیق با استفاده از فرمول (ضریب اعتبار محتوایی لاوشه) روایی محتوایی منطقی برای همه مؤلفه‌ها و شاخصها

محاسبه شد. از آنجا که جواب به سؤالات بزرگتر و یا مساوی ضریب اعتبار محتوایی لاوشه (۰/۷) است از نظر روایی قابل قبول بوده است.

۴- پایایی (اعتماد)

در این تحقیق از روش معروف آلفای کرونباخ استفاده شد. برای اعتبار بخشی، پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از نمونه آماری قرار گرفت، اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ به دست آمد. از آنجا که ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌ها و شاخصها از ۰/۷ بیشتر است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که این پرسشنامه دارای پایایی و اعتبار کافی، و برای اجرای نهایی مناسب است.

جدول ۱: نتایج پایایی پرسشنامه

آلفای کرونباخ	تعداد شاخص	مؤلفه‌ها	ابعاد
۰/۸۵۱	۵ سؤال	ایران‌هراسی	روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا
۰/۸۰۷	۵ سؤال	اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی و...)	
۰/۷۸۰	۵ سؤال	درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر	
۰/۷۰۴	۲ سؤال	درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر	
۰/۸۷۰	۴ سؤال	راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم	
۰/۹۵۲	۳۵ سؤال	کل روشهای امریکا برای تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا	

۵- راستی آزمایی

به طور خلاصه برای رسیدن به هدف نهایی تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق طی سه مرحله انجام گرفت:

مرحله اول مطالعات اکتشافی و تحلیلی درباره تروریسم و روشهای امریکا در راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا انجام، و با جمع‌آوری مدارک و اسناد مرتبط با موضوع، جستجوی اینترنتی، تحقیق اسنادی و شیوه مطالعه اکتشافی از شرح و درک رویدادهایی بهره‌برداری شد که در گذشته به راه‌اندازی تروریسم غرب آسیا و راهبرد مقابله با آن منجر شده است.

مرحله دوم از طریق تحقیقات میدانی، افراد خبره و متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش جمع‌آوری شد. در این مرحله از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده گردید.

مرحله سوم به تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق اختصاص دارد و از روش توصیفی و آمیخته و با استفاده از نرم‌افزارهای Excel، Spss19، Lizrer و روش استنباط آماری ناپارامتریک، آمار استنباط کلی آزمون دو جمله‌ای، فریدمن، آزمون همبستگی، پیرسون و آلفای کرونباخ بهره‌برداری شد.

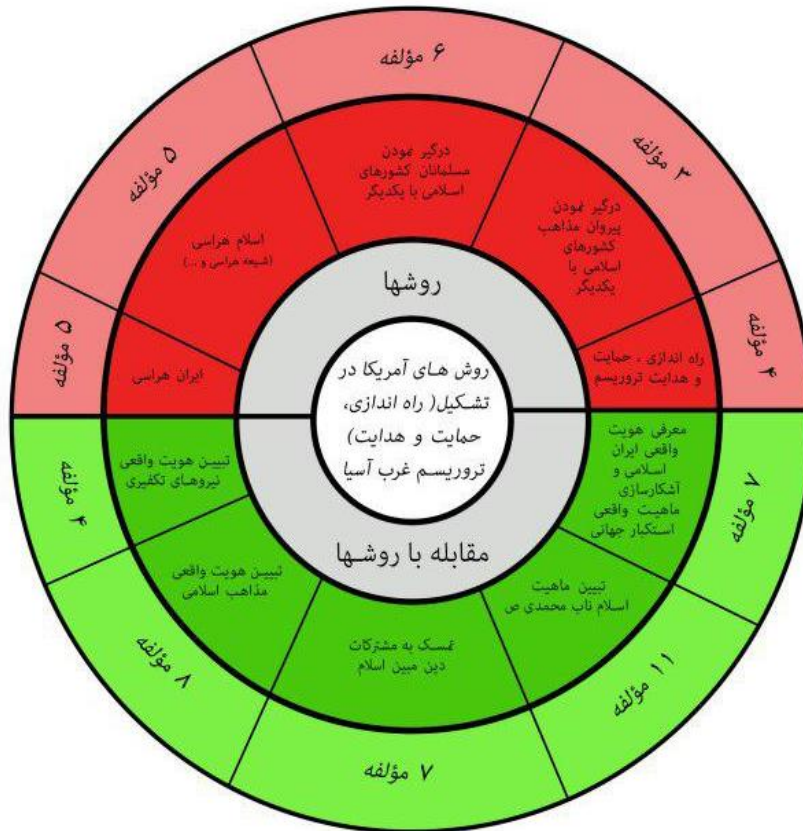
سؤال تحقیق: روشهای آمریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا کدام است؟

به اجمال می‌توان پیروزی انقلاب اسلامی و گفتمان آن را حاصل دو بُعد فکری امام خمینی(ره)، یکی احیای دیانت و سنت و دیگری اصلاح جامعه دانست. گفتمان انقلاب اسلامی، که در مسیر انقلاب پدید آمد، توانست بر گفتمانهای رقیب پیروز شود. قواعد اندیشگی امام(ره) در عبور از مفاهیم شبه فکری، فلسفی و اندیشگی غرب، شالوده‌شکنی گفتمان‌های دینی، عقلی و روشنفکری حاکم، غلبه بر بی‌تاریخگیری و ترسیم دوباره هویت اسلامی، گشایش باب کارآمد و کاربردی کردن اجتهاد ضمن پایبندی بنیادین به سنتهای فقه شیعی و طرح پیوند استوار دین با سیاست و حتی بنا نهادن سیاست بر دین استوار است. از این رو آمریکا تمام تلاش خود را برای مقابله با انقلاب اسلامی به کار بست تا از گسترش انقلاب اسلامی به دیگر نقاط جهان جلوگیری به عمل آورد. آمریکا برای حفظ منافع سیاسی، اقتصادی و رهبری جهانی در صدد برآمد دشمن جدیدی به نام «انقلاب اسلامی ایران» را تهدیدی برای ایالات متحده آمریکا و کشورهای جهان معرفی کند. دلیل نگرانی آمریکا به این موضوع مربوط می‌شود که جمهوری اسلامی ایران طبق قواعد دیکته شده غرب حرکت نمی‌کند و گسترش موج گرایش به اسلام در منطقه غرب آسیا به حدی نیرومند و نافذ است که ممکن است اوضاع از کنترل آنان خارج شود و نظام فکری، اقتصادی و حتی امنیتی و سیاسی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. برای این منظور آمریکا با هدف مقابله با انقلاب اسلامی در صدد برآمد با الگو قرار دادن نظریه سد نفوذ کمونیسم جورج کنان، گرداگرد جمهوری اسلامی ایران سدی نفوذ ناپذیر ایجاد کند و نظریه «سد نفوذ انقلاب اسلامی» را جایگزین نظریه «سد نفوذ کمونیسم» سازد و در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و طولانی مدت خود، اهدافی از قبیل مقابله با کشورهای محور مقاومت اسلامی، تضعیف مسلمانان و جهان اسلام، تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس قرار دهد. در این مقاله تلاش شد، روشهای آمریکا برای

دستیابی به چنین اهدافی، شناسایی و مؤلفه‌ها و روشهایی که نقش امریکا را در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا مشخص می‌کند به صورت زیر بیان شود:

الگوی مفهومی

چارچوب نظری حول محور پرسش و روش تحقیق طراحی شده و نقشه راه پاسخ به پرسش‌های این مقاله است. الگوی مفهومی از درون مبانی نظری، اهداف و بررسی روشها و شرایط حاکم در عرصه بین‌المللی و تغییر و تحولات ایجاد شده در نظریه‌هایی استخراج شد که بتواند نقش و اهداف امریکا را در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا تبیین کند. در این میان، نظریه‌های سد نفوذ جورج کنان، برخورد تمدنهای «هانتینگتون» و آشوب سازنده نورتون لورنز از جمله نظریه‌هایی است که متناسب با روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا تشخیص داده شد و بر این اساس، الگوی مفهومی مقاله از مبانی نظری، اهداف امریکا و این نظریه‌ها استخراج و تدوین شد.



نمودار ۱: الگوی مفهومی روشهای امریکا در تشکیل تروریسم غرب و راه‌های مقابله با آن

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

داده‌های این تحقیق به صورت ترکیبی است. بخشی از داده‌ها به صورت کمی جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار Spss19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. داده‌های کیفی نیز با استفاده از مصاحبه، پرسشنامه و مشاهدات میدانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. درباره ارتباط بخش اول مباحث نظری این تحقیق با بخش دوم یعنی تجزیه و تحلیل و ارائه راه‌های مقابله با روشهای امریکا می‌توان گفت در مباحث نظری با بهره‌گیری از آنچه دیگران انجام

داده‌اند و آنچه محقق در این تحقیق توانست به دست آورد در محک مصاحبه و آزمون پرسشنامه، ارزیابی و در نتیجه راه‌های مقابله پیشنهاد شده است. در ادامه با استفاده از روشهای استنباط آماری و کاربرد نرم افزار اس.پی.اس.اس ۱۹ و لیزر فرضیات مورد آزمون قرار گرفت. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخگویی به سؤالات تحقیق از روشهای آماری جدول توزیع فراوانی، ضریب لاوشه و آلفای کرونباخ و برای بررسی عادی بودن نمونه مورد مطالعه از آزمون کالموگروف اسمیرنف، و برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخصهای الگو از آزمون فریدمن بهره گرفته شد.

جدول ۲: نمونه مؤلفه‌های روش امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا

ردیف	مؤلفه‌های روش امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا	میانگین	انحراف معیار	تی استیودنت	معناداری
۱	ایران‌هراسی	۴/۰۴	۰/۷۶	۱۱/۰۷	۰/۰۰۰
۲	اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی)	۳/۹۲	۰/۷۲	۱۰/۳۰	۰/۰۰۰
۳	درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر	۴/۳۹	۰/۴۶	۲۴/۹۹	۰/۰۰۰
۴	درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر	۳/۸۷	۰/۸۲	۸/۵۶	۰/۰۰۰
۵	راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم	۴/۲۷	۰/۶۰	۱۷/۳۸	۰/۰۰۰

یافته‌های جدول حاکی است که مؤلفه‌های روش امریکا در راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا، مؤلفه‌های درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر و بحران سازی مستمر بیشترین مقدار میانگین (۴/۳۹) و مؤلفه درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر دارای کمترین مقدار میانگین (۳/۸۷) است و در نتیجه با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون تی استیودنت تک متغیره در مورد تصمیم‌گیری درباره رد یا تأیید فرضیه صفر است، می‌توان گفت از نظر پاسخگویان، تمام مؤلفه‌های بُعد روشهای امریکا در راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم غرب آسیا مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۳: نمونه آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های روش آمریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا

ردیف	مؤلفه‌های روش آمریکا	میانگین
۱	درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر	۵/۲۵
۲	راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم	۴/۹۰
۳	درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر	۴/۵۷
۴	ایران‌هراسی	۳/۹۰
۵	اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی)	۳/۳۲
مقدار آزمون مربع کای: ۷/۰۷۵		درجه آزادی: ۶
سطح معناداری: ۰/۰۰۰		

با توجه به جدول آزمون فریدمن مقدار آزمون مربع کای (۷/۰۷۵) و هم چنین سطح معناداری ۰/۰۰۰، تفاوت رتبه شاخصهای بُعد روشهای آمریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا معنادار است به گونه‌ای که در روشهای آمریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا مؤلفه درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر (با رتبه میانگین ۵/۲۵) در رتبه اول و مؤلفه راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم رتبه دوم، مؤلفه درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر رتبه سوم، مؤلفه ایران‌هراسی رتبه چهارم و مؤلفه اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی) در رتبه پنجم (آخر) قرار دارد.

جدول ۴: نمونه شاخصهای مؤلفه ایران‌هراسی

ردیف	مؤلفه ایران‌هراسی	میانگین	انحراف معیار	تی استیودنت	معناداری
۱	همسوسازی سازمانهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران	۳/۶۵	۱/۰۴	۵/۲۰	۰/۰۰۰
۲	متهم کردن جمهوری اسلامی ایران در سازمانهای بین‌المللی مبنی بر عدم رعایت حقوق بشر در ایران	۳/۹۶	۱/۰۵	۷/۵۷	۰/۰۰۰
۳	متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به حمایت از تروریسم	۴/۱۷	۰/۸۳۹	۱۱/۶۲	۰/۰۰۰
۴	بزرگنمایی از قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان	۳/۹۷	۱/۰۷	۷/۳۹	۰/۰۰۰
۵	اتهام زنی به جمهوری اسلامی ایران مبنی بر توسعه نفوذ بر کشورهای هدف از جمله محور مقاومت اسلامی	۴/۴۱	۰/۷۳۴	۱۵/۹۱	۰/۰۰۰

یافته‌های جدول حاکی است که شاخصهای مؤلفه ایران‌هراسی، شاخص اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران مبنی بر توسعه نفوذ بر کشورهای هدف از جمله محور مقاومت اسلامی بیشترین مقدار میانگین (۴/۴۱) و شاخص همسوسازی سازمانهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران دارای کمترین مقدار میانگین (۳/۶۵) است و در نتیجه با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون تی استیودنت تک متغیره در مورد تصمیم‌گیری درباره رد یا تأیید فرضیه صفر است، می‌توان گفت که از نظر پاسخگویان، فرض تمام شاخصهای مؤلفه ایران‌هراسی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

۱ - نتایج روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا به استناد مدارک و اسناد در جدول ذیل آورده شده است:

جدول ۵: روشهای امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا به استناد مدارک و اسناد

شاخصها	مؤلفه‌ها	ردیف
۱ - ۱ - همسوسازی سازمانهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران ۱ - ۲ - متهم کردن جمهوری اسلامی ایران در سازمانهای بین‌المللی مبنی بر عدم رعایت حقوق بشر در ایران ۱ - ۳ - متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به حمایت از تروریسم ۱ - ۴ - بزرگنمایی قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان ۱ - ۵ - اتهام زنی به جمهوری اسلامی ایران مبنی بر توسعه نفوذ بر کشورهای هدف از جمله محور مقاومت اسلامی	ایران‌هراسی	۱
۲ - ۱ - ترویج اسلام امریکایی در غرب آسیا ۲ - ۲ - ائتلاف‌سازی برای مقابله با بیداری اسلامی ۲ - ۳ - ترویج تفکرات شیعه انگلیسی در منطقه غرب آسیا ۲ - ۴ - متهم کردن برخی از کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران به تشکیل هلال شیعی ۲ - ۵ - متنوع سازی گروه‌های تروریستی تکفیری برای براندازی	اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی)	۲

ادامه جدول ۵: روشهای امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا به استناد مدارک و اسناد

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخصها
۳	۱- درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر	۱- ۱- ۳- جنگ عربستان با یمن ۲- ۱- ۳- درگیری سیاسی عربستان، مصر، کویت، امارات با قطر ۳- ۱- ۳- ایجاد اختلاف بین برخی از کشورهای مرتجع عرب با جمهوری اسلامی ایران
	۲- درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر	۴- ۱- ۳- ایجاد جنگهای داخلی در کشورهای اسلامی مانند سوریه و عراق ۵- ۱- ۳- تبدیل مسئله فلسطین به مسئله ثانویه جهان اسلام ۶- ۱- ۳- ایجاد گروه‌های بدیل و جایگزینی آنها با اسلام ناب
۴	۱- راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم	۱- ایجاد گروه تروریستی طالبان ۲- ایجاد گروه تروریستی القاعده ۳- ایجاد گروه تروریستی داعش ۴- ایجاد گروه تروریستی جبهه النصره (داعش سوریه)

۲- نتایج تحقیق به ترتیب اولویت روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا به استناد تحقیقات میدانی و پاسخ به پرسشنامه‌ها در جدولهای ذیل آورده شده است:

جدول ۶: روشهای امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا به استناد تحقیقات میدانی

ردیف	سؤال اصلی	بیشترین میانگین مؤلفه‌ها به ترتیب اولویت
۱	روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا	- درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر - راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم - درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر - ایران هراسی - اسلام هراسی (شیعه‌هراسی)
۱	ایران‌هراسی	- اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران و توسعه نفوذ بر کشورهای هدف محور مقاومت اسلامی - متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به حمایت از تروریسم - بزرگنمایی از قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان - متهم کردن جمهوری اسلامی ایران در سازمانهای بین‌المللی مبنی بر عدم رعایت حقوق بشر در ایران - همسوسازی سازمانهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

ادامه جدول ۶: روشهای امریکا در تشکیل تروریسم غرب آسیا به استناد تحقیقات میدانی

ردیف	سؤال اصلی	بیشترین میانگین مؤلفه‌ها به ترتیب اولویت
۲	اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی و...)	- متنوع‌سازی گروه‌های تروریستی تکفیری برای براندازی - ائتلاف‌سازی برای مقابله با بیداری اسلامی - ترویج اسلام امریکایی در غرب آسیا - متهم کردن برخی از کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران به تشکیل هلال شیعی - ترویج تفکرات شیعه انگلیسی در منطقه غرب آسیا
۳	۱- درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر ۲- درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر	- ایجاد جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی مانند سوریه و عراق - تبدیل مسئله فلسطین به مسئله ثانویه جهان اسلام - ایجاد اختلاف بین برخی از کشورهای مرتجع عرب با جمهوری اسلامی ایران - ایجاد گروه‌های بدیل و جایگزینی آنها با اسلام ناب - جنگ عربستان با یمن - ایجاد جنگ مذهبی - ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی - ایجاد عرفانهای کاذب و نو ظهور
۴	راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم	- ایجاد گروه تروریستی داعش - ایجاد گروه تروریستی القاعده - ایجاد گروه تروریستی طالبان - ایجاد گروه تروریستی النصره

راه‌های مقابله با روشهای امریکا در تشکیل (راه اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا

تروریسم رفتاری هدف محور است و تروریست‌ها افرادی با رفتارهای حساب شده در جهت اهدافی خاص هستند. این افراد در پی پذیرفتن یک ایدئولوژی موجه و هماهنگ با وضعیت خود به یک گروه می‌پیوندند. در پی یک روند هویت‌یابی و پذیرش اهداف و آرمانهای گروه، وسایل تحقق اهداف از سوی گروه در اختیار آنها گذاشته می‌شود. این هدف و وسیله توجیه شده از سوی ایدئولوژی مورد نظر، ارتکاب هر نوع رفتار نامتعارف و خشن را برای فرد آسان می‌کند. روش تروریسم نیز مبتنی است بر اظهار وجود و نپذیرفتن قواعد بازی متعارف. از این رو، مقابله با روشهای امریکا در تشکیل (حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا، باید بر اصولی مبتنی باشد که بتواند بر روشهای ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی

و...، درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر، درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر، راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم، چیره گردد.

ارائه راه‌های مقابله با روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا الزاماً مبتنی بر نگرش و تمرکز اصلی بر منابع و توان داخلی و تأکید بر تواناییها و نقاط قوت انقلاب اسلامی، سعی در رسیدن به اهداف با استفاده از نقاط ضعف دشمن خواهد بود؛ به عبارت دیگر با شناسایی تهدیدها درباره انقلاب اسلامی، فرصتها، منابع و مهارتهای جمهوری اسلامی و کشورهای محور مقاومت اسلامی با تهدیدهای پیش‌رو تطبیق داده، و بدین صورت راه‌های مقابله با روشهای امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا مشخص می‌شود. بر این اساس، بررسی محورهای زیر می‌تواند راه‌های مقابله با امریکا را در تشکیل تروریسم غرب آسیا محقق سازد:

- ۱ - معرفی هویت واقعی ایران اسلامی و آشکارسازی ماهیت واقعی استکبار جهانی
- ۲ - تبیین ماهیت اسلام ناب محمدی (ص)
- ۳ - تمسک به مشترکات دین مبین اسلام
- ۴ - تبیین هویت واقعی مذاهب اسلامی
- ۵ - تبیین ماهیت واقعی نیروهای تکفیری

نتیجه‌گیری

راه‌های مقابله با نقش و اهداف امریکا در تشکیل (راه‌اندازی، حمایت و هدایت) تروریسم غرب آسیا با پیشنهادهاى راهبردى ذیل محقق می‌شود که بر بررسی محورهای پنجگانه مبتنی است:

- ۱ - تلاش مضاعف برای معرفی هویت واقعی ایران اسلامی و آشکارسازی ماهیت واقعی استکبار جهانی به منظور جلوگیری از ایران‌هراسی از طریق آگاه‌سازی مردم کشور و افشای ماهیت استکباری امریکا و صهیونیست با تأکید بر دشمن‌شناسی و عدم اعتماد به امریکا و رژیم صهیونیستی نزد مردم کشور و مقابله با غُلُو و فرافکنی‌های امریکا و رژیم صهیونیستی درباره توان نظامی و دفاعی ایران نزد افکار عمومی جهانی و روشننگری و شفاف‌سازی توان دفاعی

جمهوری اسلامی ایران در دفاع از مرز و بوم خود. برای چنین اموری لازم است از حداکثر ظرفیتهای سیاست جمهوری اسلامی ایران برای شفافسازی هویت واقعی ایران اسلامی نزد سازمانهای بین‌المللی استفاده، و حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در کشورهای محور مقاومت مبنی بر درخواست آن کشورها تبیین شود. هم‌چنین روحیه مقاومت و ایستادگی احزاب و گروه‌های داخلی کشور به منظور مقابله با ترندهای دشمنان تقویت گردد و روحیه خود باوری، نشاط و امید بین مردم ایران به منظور مقابله با ایران‌هراسی ارتقا یابد.

۲ - تلاش مضاعف برای تبیین ماهیت اسلام ناب محمدی(ص) به منظور جلوگیری از اسلام‌هراسی (شیعه‌هراسی و...) از طریق بازیابی و احیای تفکر و هویت اسلامی در میان مسلمانان با تأکید بر اتحاد مسلمانان زیر چتر دعوت الی‌الله و توجه دادن به ملتهای مسلمان نسبت به ذخیره گرانهای فرهنگ و تمدن اسلامی و آرمانهای امام خمینی(ره) و اندیشه‌های مقام معظم رهبری(مدظله العالی) و برخورد هوشمندانه با هر گونه تحجر، قشری‌گری، افراط و تفریط بویژه مقابله فکری با جریانها، دیدگاه‌ها و گفتمان محور غربی - عبری - عربی و نیز مقابله جدی و هوشمندانه برای افشای ماهیت واقعی شیعه انگلیسی و خطر الگوی پیشنهادی غرب (اسلام امریکایی) به جای الگوی اسلام انقلابی، اسوه بودن ملت ایران و انقلاب اسلامی برای ملتها می‌تواند الگوی مناسبی باشد. بر این اساس می‌توان اصول و مبانی واقعی شیعه اثنی عشری را به منظور خنثی‌سازی تفکر شیعه انگلیسی، معرفی کرد؛ لذا برخورد جدی با به‌حاشیه راندن جریانهای اصیل انقلابی باید صورت گیرد و چهره واقعی و حامیان اصلی گروه‌های تروریستی از جمله تروریست‌های تکفیری شناسانده شود.

۳ - تلاش مضاعف برای تمسک به مشترکات دین مبین اسلام به منظور جلوگیری از درگیر کردن مسلمانان کشورهای اسلامی با همدیگر از طریق تنش‌زدایی و اعتمادسازی و رفع نگرانیها بین کشورهای اسلامی منطقه و تأکید بر مشترکات و کنار گذاشتن اختلافات میان کشورهای اسلامی با ایجاد بستر و زمینه‌های تغییر گرایش از تخاصم به رقابت و همکاری میان کشورهای اسلامی. الزامات چنین تلاشی به بصیرت‌افزایی نسبت به جداسازی جریان اصیل اسلامی از جریان تکفیری و خنثی‌سازی اقدامات جریانهای تکفیری در به راه انداختن

اختلافات مذهبی و اعلام براءت صریح از اقدامات و عملکرد تکفیریها و تلاش در راستای بومی کردن ترتیبات امنیتی منطقه بستگی دارد.

۴ - تلاش مضاعف برای تبیین هویت واقعی مذاهب اسلامی به منظور جلوگیری از درگیر کردن پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر از طریق تأکید بر محور قرارگرفتن قرآن، سنت و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار (علیه‌السلام) و جلوگیری از اختلافات مذهبی و قومی با روشنگری نسبت به توطئه اختلاف شیعه و سنی و جلوگیری از ترویج اختلاف و جنگ بین ملتها و دولتهای اسلامی و پرهیز از هرگونه اقدامات تفرقه‌انگیز بین مسلمانان. در این صورت باید ارزشها و شعائر مشترک دینی و اسلامی مانند حج، روز جهانی قدس، اعیاد اسلامی فطر، قربان و... برجسته‌سازی، و از هرگونه اهانت و توهین نسبت به فرقه‌ها و مذاهب یکدیگر پرهیز شود و با هرگونه قرائت‌های تفرقه‌انگیز (مانند عرفانهای کاذب و نوظهور) به طور علنی و آشکار مخالفت گردد.

۵ - تلاش مضاعف برای تبیین ماهیت واقعی نیروهای تکفیری به منظور جلوگیری از راه‌اندازی، حمایت و هدایت تروریسم از طریق تبیین ماهیت و هویت واقعی گروه‌های طالبان، القاعده، داعش و گروه‌های تکفیری

منابع

فارسی

- ۱ - امینیان، بهادر (۱۳۹۵). چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. دوره ۸، ش ۲۶.
- ۲ - برزگر، کیهان؛ حاجی‌مینه، رحمت (۱۳۹۳). رویکردی انتقادی به پدیده تروریسم: نظریه سنتی و انتقادی. مطالعات رسانه‌ای. س نهم. ش ۲۴.
- ۳ - پورامینی، محمدحسین (۱۳۹۲). تکفیر چیست؟ تکفیری کیست؟. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۴ - خامنه‌ای، سیدعلی [مقام معظم رهبری] (۱۳۸۰). بیانات معظم‌له در دیدار خانواده‌های شهیدان نیروهای مسلح. مورخه ۱۳۸۰/۷/۴.
- ۵ - خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). بیانات معظم‌له درباره گروه‌های تکفیری. در دیدار با دست‌اندرکاران حج. مورخه ۱۳۹۳/۶/۱۶.
- ۶ - خامنه‌ای، سیدعلی [مقام معظم رهبری]. سایت حفظ و نشر آثار. www.khamenei.ir
- ۷ - عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۶). سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه و تغییر راهبرد القاعده. رساله دکتری تخصصی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۸ - شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶). بهج‌الصباغه. تهران: امیرکبیر.
- ۹ - شیرغلامی، خلیل (۱۳۹۰). اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر. تهران: فصلنامه سیاست خارجی. س بیست و پنجم. ش ۴.
- ۱۰ - غرایاق زندی، داود (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولت دوم جورج واکر بوش در قبال ایران - سیاست سد نفوذ (۸-۲۰۰۴). فصلنامه راهبردی. س دوازدهم. ش اول.
- ۱۱ - فولادی، محمدرضا (۱۳۹۶). چرخه حیات تروریسم جهادی در خاورمیانه. سایت اینترنتی - shafaqna.com. پیام آفتاب/ افغانستان. شرق. ۸ اسد.
- ۱۲ - کاظمی‌قمی، حسن (۱۳۹۶). تشکیل گروه‌های تروریستی طالبان، القاعده، داعش و... از ابتدا تا کنون. مصاحبه توسط محقق (محمدحسین روحانی). تهران: پژوهشکده روابط بین‌الملل. دانشگاه جامع امام حسین (ع).

- ۱۳ - کریمی پاشاکی، سجاده؛ منعم، روح‌الله؛ یحیی‌پور، محمدصادق (۱۳۹۳). تحلیل ساختارهای ژئوپولیتیکی تروریسم در دهه اول هزاره سوم میلادی. پروژه تحقیقاتی. پژوهشهای روابط بین‌الملل. س چهارم. ش ۱۱.
- ۱۴ - لن‌من، استفان (۱۳۹۰). تعریف تروریسم با زبان مغالطه‌آمیز. ترجمه میثم حدادیان مجله راهنما. ماهنامه مطالعات تروریسم. س اول. ش دوم.
- ۱۵ - ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۵). جهانی شدن تروریسم و علل همکاری کشورهای جهان علیه آن. رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۱۶ - نجات، سیدعلی (۱۳۹۵). آشوب سازنده، راهبرد امریکا در قبال داعش. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.

انگلیسی

- 17 - Huntigton, Samuel, (2003), The Clash of Civilization and the Remaking of World Order, New York: Simon and Schuster Publisher
- 18 - Gleick, James Chaos: Making a new Science. The Pulitzer Prizes. Retrieved 28 May 2011,
- 19 - Simon, Jeffrey , D,(1994), Biological Terrorism, preparing to meet the threat

